

## قلعه ماکو در منازعات صفویان و عثمانی‌ها

جعفر آقازاده

دانشیار گروه تاریخ، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل-ایران

تاریخ دریافت: (۱۳۹۹/۰۷/۳۰) تاریخ پذیرش: (۱۳۹۹/۱۰/۲۹)

## Maku Castle in the Safavid and Ottoman Conflicts

Jafar Aghazadeh

Associate Prof, Department of History, Faculty of Social Sciences, Mohagheh Ardabili University, Ardebil-Iran

Received: (2020/ 10/ 21)

Accepted: (2021/ 01/ 18)

## Abstract

With the formation of the Safavid government and the beginning of the Ottoman-Iran wars in northwestern Iran, Maku region, with Maku Castle as its center, became one of the gateways between Persian territories and eastern Anatolia in the center of these battles. eee csstl«s wvrrr iii p hhiiftd mny timss between the Safavids and the Ottomans. Where did Maku Castle stand in the Ottoman-Safavid conflicts? The present study attempted to investigate the status of Maku Castle during the Ottoman-Safavid conflicts via an analytical research approach. The study claims that Maku Castle had an important place in the military policy of the Safavids and the Ottomans due to its stability and location at the Iranian-Anatolian border crossing, and this issue was the cause of the disputes between the two powers over this castle. The result was that the Ottomans and Safavids tried to consolidate their influence along the border by lodging their own tribes at Maku Castle. Shah Abbas I showed his military superiority over the Ottomans by defeating the Ottoman-affiliated tribes in northwestern Iran, capturing Maku Castle, and housing the Bayat tribe in the fortress of this castle. During the reign of Shah Safi, the Ottomans seized Maku Castle, which was destroyed under the Zuhab peace treaty. However, the Safavids, in violation of the peace treaty, captured the castle and controlled it, with brief pauses, until the fall of Isfahan.

**Keywords:** Maku Castle, Safavid government, the Ottomans, Shah Abbas I, Zuhab Treaty.

## چکیده

با شکل‌گیری حکومت صفوی و آغاز جنگ‌های ایران و عثمانی در شمال‌غرب ایران، ناحیه ماکو به مرکزیت قلعه ماکو، به عنوان یکی از معابر ارتباطی ایران با شرق آناتولی در میانه و کانون این نبردها قرار گرفت و حاکمیت این قلعه بارها میان صفویان و عثمانی‌ها دست به دست شد. مسئله این است که قلعه ماکو چه موقعیتی در منازعات صفویان و عثمانی‌ها داشت؟ در پژوهش حاضر تلاش شده است تا با رویکردی تحلیلی، جایگاه قلعه ماکو در منازعات حکومت صفوی و عثمانی بررسی شود. مدعای نویسنده این است که قلعه ماکو به خاطر استحکام و قرار گرفتن در گذرگاه مرزی ایران به آناتولی از جایگاه مهمی در سیاست نظامی صفویان و عثمانی‌ها برخوردار بود و همین مسئله عامل منازعات این دو قدرت بر سر این قلعه بود. نتیجه‌ای که به دست آمد این بود که عثمانی‌ها و صفویان با استقرار ایلات وابسته به خود در قلعه ماکو در تلاش بودند تا قدرت خود را در خطوط مرزی تثبیت کنند. شاه عباس اول با قلع و قمع ایلات وابسته به حکومت عثمانی در شمال‌غرب ایران و تصرف قلعه ماکو و مسکن دادن ایل بیات در پادگان این قلعه برتری نظامی خود بر عثمانی‌ها را در این رقابت نشان داد. در دوره شاه صفی عثمانی‌ها قلعه ماکو را تصرف کردند و طبق معاهده صلح زهاب این قلعه تخریب شد، اما صفویان با نقض معاهده صلح این قلعه را تصرف کردند و با وقفه‌هایی اندک تا سقوط اصفهان آن را در دست خود نگه داشتند.

**کلیدواژه‌ها:** قلعه ماکو، حکومت صفویه، حکومت عثمانی، شاه عباس اول، قرارداد زهاب.

## ۱. مقدمه

شاه اسماعیل اول با توسعه قلمرو خود در شرق آناتولی، حاکمیت عثمانی‌ها را در این منطقه به چالش کشاند. همین امر موجب شد که سلطان سلیم با آغاز نبرد با شاه اسماعیل، هم بخشی از قلمرو این حکومت در شرق آناتولی را تصرف کرد، هم با نزدیکی به ایلات و عشایر سرحدی، قدرت صفویان را در این مناطق تضعیف نمود. از همین زمان، ناحیه ماکو به مرکزیت قلعه ماکو، به واسطه قرار گرفتن در نقطه تلاقی مرز ایران و عثمانی و نزدیکی آن به محل زندگی ایلات و عشایر وابسته به عثمانی، وضعیت شکننده‌ای در مرزهای دو قدرت پیدا کرد. تسلط بر این قلعه برای اعمال حاکمیت بر راه تجاری و نظامی عبوری از آن و کنترل ایلات این منطقه نقش کلیدی داشت، از همین رو این قلعه به یکی از مهم‌ترین کانون‌های منازعه صفویان و عثمانی‌ها تبدیل شد.

دژ ماکو در اغلب لشکرکشی‌های عثمانی‌ها به شمال غرب ایران، از جمله اولین مناطقی بود که به تصرف آنان درمی‌آمد و عثمانی‌ها حکومت این قلعه را به سران ایل محمودی وابسته به خود واگذار می‌کردند. شاه عباس اول برای پایان دادن به این روند، با قلع و قمع ایل محمودی و فراری دادن بقایای آنان به خاک عثمانی، قلعه ماکو را تصرف و گروهی از ایل بیات را مأمور حفاظت از آن کرد. با حملات سلطان مراد چهارم به ایران، قلعه ماکو دوباره به تصرف عثمانیان درآمد و طی معاهده صلح زهاب (۱۰۴۹ق) به عنوان منطقه بی‌طرف مرزی تخریب شد. اهمیت سوق‌الجیشی و نظامی این قلعه باعث شد که صفویان در دوره

شاه عباس دوم، با نقض معاهده صلح زهاب، این دژ را دوباره تصرف و حصارهای آن را مستحکم کردند. از همین زمان قلعه ماکو به موضوع منازعات سیاسی طرفین تبدیل شد، اما صفویان با بی‌اعتنایی به اعتراضات مکرر طرف عثمانی در این باره، قلعه ماکو را به پادگانی مستحکم در مرز عثمانی تبدیل کردند.

با این همه، منابع ایرانی تنها به تحولات قلعه ماکو در دوره شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ق) و سپس قرارداد صلح زهاب پرداخته‌اند. منابع تاریخی و اسناد عثمانی نیز از دوره شاه سلطان محمد خدابنده (۹۸۵-۹۹۶ق) به صورت مختصر و پراکنده به این قلعه اشاره کرده‌اند. در این منابع، درباره دست به دست شدن قلعه ماکو در بین دو قدرت و دلایل آن و همچنین روش‌های استفاده شده توسط دو قدرت برای تحکیم قدرت خود در این قلعه ابهامات فراوان وجود دارد. همچنین علی‌رغم نقش پراهمیت قلعه ماکو در بازشناسی بخشی از منازعات ایران و عثمانی در دوره صفویه، تاکنون پژوهشی در این باره انجام نگرفته؛ اما در برخی مطالعات، نگاهی جزئی و گذرا به این موضوع شده است.

موسوی ماکویی در کتاب تاریخ ماکو نگاهی گذرا به قلعه ماکو در منازعه صفویان و عثمانی‌ها دارد. این نویسنده، مورخ نیست و نگاه توصیفی به منابع و اسناد تاریخی دارد. نوشته‌های او درباره قلعه ماکو بیشتر نقل قول پراکنده از برخی منابع دست اول است (موسوی ماکویی: ۱۳۷۶).

در مدخل‌های چاپ شده، توجه بیشتری به قلعه ماکو شده است؛ از جمله این پژوهش‌ها،

## ۲. قلعه ماکو در دوره شاه اسماعیل و شاه تهماسب صفوی

ماکو در دوره ساسانیان در مرز قلمرو آرامنه و ساسانیان قرار داشت و از مناطق درگیری دو طرف بود (Simonian, 2007: 3/ 32; Hewsan, 2011: 35). در دوره اسلامی، ماکو با قلعه‌ای مستحکم در منابع توصیف می‌شود که مقرر حکمرانان مستقل ارمنی بود (حمدالله مستوفی، ۱۳۶۲: ۸۹؛ کلاویخو، ۱۳۸۴: ۱۵۴-۱۵۵). قرايوسف قراقویونلو (۸۰۹-۸۲۳ق) با تصرف قلعه ماکو در سال ۸۰۹ق، به حکومت طولانی مدت امرای ارمنی در آن خاتمه داد (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱/ ۳۷۶؛ Minorsky, 1993: 5/ 181). در این دوره با مهاجرت ایل محمودی<sup>۱</sup> به آذربایجان، تحولات ناحیه ماکو وارد مرحله نوینی شد و قرايوسف حکومت نواحی اشوت<sup>۲</sup> و خوشاب<sup>۳</sup> در نزدیکی قلعه ماکو را به آنان واگذار کرد (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱/ ۳۰۱).

با قدرت‌یابی شاه اسماعیل اول (۹۰۷-۹۳۰ق) قلعه ماکو نیز، مانند بقیه مناطق آذربایجان، وارد قلمرو صفویان شد و کردهای شمال‌غرب ایران و شرق آناتولی، از جمله ایل محمودی، به مرور سلطه او را قبول کردند (قمی، ۱۳۸۳: ۱/ ۷۴؛ عبدی‌بیگ شیرازی، ۱۳۶۹: ۴۱؛ صولاق‌زاده، ۱۲۹۸ق:

۱. ایل محمودی از عشایر کرد یزیدی مسلک بود. شیخ محمود رهبر آنان در زمان قراقویونلوها، ایل خود را از طرف شام یا به روایتی از عموره به آذربایجان آورد (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱/ ۳۰۱-۳۰۲).

۲. قلعه‌ای واقع در ۳۰ کیلومتری جنوب شرق ماکو. این نام امروزه به شوط تغییر یافته است.

۳. قلعه‌ای واقع در ۶۰ کیلومتری وان در مرز ایران و ترکیه (Uluçam, 1998, V.18; 247-248).

مدخل «ماکو»، نوشته ولادیمیر مینورسکی در *دایره‌المعارف اسلام*، چاپ لیدن است. مینورسکی به صورت گذرا به منازعات صفویان و عثمانی‌ها بر سر قلعه ماکو در دوره زمانی انعقاد معاهده صلح زهاب اشاره کرده است. نقطه قوت اثر او، استفاده هم‌زمان از منابع ایرانی و عثمانی است (Minorsky, 1993). کورتولوش در *دانشنامه اسلام* چاپ آنکارا، منازعات ایران و عثمانی در این قلعه در دوره شاه صفی و معاهده صلح زهاب را بررسی کرده است (Kürtülüç, 2003).

از دیگر پژوهش‌ها در این حوزه، رساله دکتری کیرزی‌اوغلو، با عنوان *فتوحات عثمانی‌ها در قفقاز (۱۵۹۰-۱۶۵۱)*، حائز اهمیت است. او در این رساله به اقدامات عثمانی‌ها برای تسلط بر قلعه ماکو و اداره آن در دوره شاه سلطان محمد خدابنده پرداخته است (Kirzioğlu, 1976). کیلیچ در رساله دکتری با عنوان *وان در سده‌های ۱۶ و ۱۷ میلادی*، به بررسی وضعیت شهر وان در میانه منازعات ایران و عثمانی پرداخته و در لابه‌لای این موضوع، به نقش و دخالت حکام وان در امور قلعه ماکو نیز اشاره کرده است (Kiliç, 1997).

براساس آنچه که گفته شد، هر کدام از پژوهش‌های فوق به قسمت‌هایی کوچک از موضوع این مقاله پرداخته‌اند؛ لذا جای تحقیقی منسجم در این حوزه خالی است. این پژوهش ضمن استفاده از دستاوردهای دیگران، می‌کوشد تا با بهره‌گیری از منابع و اسناد در دسترس، رویکردی تحلیلی به منازعات صفویان و عثمانی‌ها در قلعه ماکو داشته باشد.

روستاهای مسیر لشکرکشی دست می‌زدند، با توجه به مسیرهای حرکت اردوی عثمانی، به نظر می‌رسد ماکو از دستبرد آنان در امان نمانده است (نشانی، ۱۳۷۹ق: ۲۵۷-۲۵۸، ۲۷۵-۲۷۶؛ قزوینی، ۱۳۷۸: ۲۰۱).

در میانه منازعات ایران و عثمانی، امرای محلی حاکم بر مناطق مرزی در وضعیت بغرنجی قرار گرفتند و برای حفظ جایگاه خود، وابستگی‌شان به این دو قدرت را مدام تغییر می‌دادند. در این راستا حکام نواحی مرزی خوی، خوشاب، اشوت و سلماس با رسیدن سلطان سلیمان به مرزهای ایران، به او ملحق می‌شدند و از جانب او به امارت مناطق مختلف می‌رسیدند (صولاق‌زاده، ۱۳۶۹ق: ۵۲۹؛ Kiliç, 1994: 255؛ عبدی‌بیگ شیرازی، ۱۳۶۹: ۷۶). اگرچه منابع این دوره از قلعه ماکو نام نبرده‌اند، اما این قلعه در میان مناطق فوق‌الذکر واقع شده بود و در مسیر حملات عثمانی‌ها قرار داشت. همچنین ایل محمودی که بر نواحی اطراف ماکو تسلط داشت، با حملات ترک‌ها به قلمرو صفویان با عثمانی‌ها همراه می‌شد. بنابراین به نظر می‌رسد حکومت این قلعه نیز به امرا و سران ایلات وابسته به حکومت عثمانی واگذار می‌گردید. با بازگشت اردوی عثمانی، قشون شاه تهماسب با سیاست تعقیب و گریز اغلب مناطق متصرفی آنان را باز پس می‌گرفت و امرای این منطقه پس از تنبیه جزئی، تغییر موضع داده و دوباره در اردوی شاه تهماسب حاضر می‌شدند (قمی، ۱۳۸۳: ۱/۳۳۲-۳۳۳؛ عبدی‌بیگ شیرازی، ۱۳۶۹: ۹۹-۱۰۰؛ قبادالحسینی، ۱۳۷۹: ۱۷۲).

شاه تهماسب برای بسط تسلط خود در منطقه شمال‌غرب ایران اختلافات بین ایل محمودی و

اما این روند ادامه نیافت و با پیروزی سلطان سلیم در نبرد چالدران (۹۲۰ق) موازنه قدرت در نواحی مرزی به نفع عثمانی‌ها تغییر کرد و بسیاری از امرای کرد، از جمله سران ایل محمودی، که پیش‌تر پیروی از صفویان را پذیرفته بودند، به عثمانی‌ها متمایل شدند (صولاق‌زاده، ۱۳۶۹ق: ۳۷۸؛ سعدالدین افندی، ۱۸۶۲م: ۲/۲۶۰-۲۷۴؛ منجم‌باشی، ۱۳۹۳: ۴۱۶). شاه اسماعیل پس از بازگشت سلطان سلیم به قلمرو عثمانی، مناطق شمال‌غرب ایران از جمله قلعه ماکو را دوباره به تصرف خود درآورد و وابستگان عثمانی را تنبیه کرد (عالم‌آرای شاه اسماعیل، ۱۳۸۸: ۵۳۴-۵۳۵).

با روی کار آمدن شاه تهماسب اول (۹۳۰-۹۸۴ق)، قزلباشان به منازعه با یکدیگر پرداختند و کشور وارد جنگ داخلی شد و شرایط برای حمله ازبکان و عثمانی‌ها به خاک ایران فراهم آمد. در فاصله سال‌های ۹۴۰ تا ۹۶۲ق منطقه شمال‌غرب ایران از جمله ناحیه ماکو تحت تأثیر حملات سلطان سلیمان قرار گرفت و به شدت آسیب دید. شاه تهماسب چون نیرو و توان لازم برای رویارویی با سلطان سلیمان را نداشت، سیاست زمین‌سوخته را در مسیر حرکت اردوی عثمانی اجرا می‌کرد. با به کار بستن این سیاست، اگرچه مناطق شمال‌غرب ایران از جمله ماکو به شدت آسیب دید، ولی این اقدام برای بقای حکومت صفویان ضروری بود و باعث می‌شد عثمانی‌ها پس از رسیدن به مناطق مرکزی آذربایجان با کمبود آذوقه و علیق مواجه شده و مجبور به عقب‌نشینی شوند (شاه تهماسب، ۱۳۰۰: ۵۰-۵۳؛ لطفی‌پاشا، ۱۳۴۱: ۴۳۹). عثمانی‌ها در حملات خود به آذربایجان به قتل و غارت مردمان شهرها و

دنبلی<sup>۱</sup> را تشدید می‌کرد (اشتهاردی، ۱۱ الف) و نیز در سال ۹۶۰ ق لشکرکشی گسترده‌ای در نوار شمال غربی ایران از نخجوان تا سلماس انجام داد. هدف این اردوکشی تنبیه ایلات و عشایر وابسته به عثمانی از جمله ایل محمودی و تثبیت قدرت صفویان در این منطقه بود و طی آن قلاع متعددی در این مسیر فتح شد (غفاری قزوینی، ۱۳۹۶: ۳۰۱؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۷۷؛ منجم‌باشی، ۱۳۹۳: ۵۰۷).

در این لشکرکشی شاه تهماسب دستور حمله به ایل محمودی را که ماوا و مسکن آنها اطراف قلعه ماکو بود، صادر کرد. حسن بیگ، رئیس این ایل فرار کرد، اما برادر او به اردوی شاه آمد و مورد مرحمت قرار گرفت (روملو، ۱۳۸۴: ۳/۱۳۶۷).

### ۳. تسلط عثمانی‌ها بر قلعه ماکو

در دوره سلطنت شاه سلطان محمد خدابنده (۹۹۶-۹۸۵ ق)، اوضاع داخلی ایران به خاطر ضعف شاه و سرکشی قزلباشان رو به وخامت گذاشت و شرایط برای حمله عثمانی‌ها به ایران فراهم شد (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳: ۸۷). در سال ۹۸۵ ق خسرو پاشا، والی شهر وان، آتش منازعات عثمانی با ایران را برافروخت و شهرهای مرزی خوی، سلماس و ارومیه را تصرف کرد (34 Numralive, H.986/1578 TarihliMühimme Defteri, 2001: XXIII). قبایل و عشایر کرد مرزنشین از همان آغاز حملات عثمانی‌ها به ایران به آنها گرویدند (اسکندریگ منشی ترکمان، ۱۳۸۷: ۱/۲۳۱؛ سلانیک، ۱۹۷۰م: ۱۴۸). عثمانی‌ها اگرچه به تغییر موضع مداوم ایلات کرد در برابر دو قدرت معترض بودند (پچوی، ۱۸۶۶: ۱/۳۰۹)، اما آنها برای تسلط بر مناطق مرزی چاره‌ای جز ائتلاف با این ایلات نداشتند. در این میان سران ایل محمودی که پس از صلح آماسیه اقتدار صفویان را پذیرفته بودند،

در عرصه منازعات ایران و عثمانی در این دوره، لشکرکشی‌های متعدد سلطان سلیمان به ایران دستاورد خاصی برای او به دنبال نداشت، بنابراین این جنگ‌ها با معاهده صلح آماسیه در سال ۹۶۲ ق پایان یافت و امنیت در مرزهای شمال غربی برقرار شد. در راستای این صلح‌نامه قلعه ماکو نیز از جمله مناطقی بود که در داخل قلمرو ایران قرار گرفت (قزوینی، ۱۳۷۸: ۲۰۹؛ پچوی، ۱۸۶۶م: ۱/۲۳۹-۳۴۰؛ فریدون بیگ، بی تا: ۶۱۹-۶۲۵). شاه تهماسب پس از صلح آماسیه، نظارت و کنترل حکومت مرکزی بر ایلات شمال غرب، به ویژه ایل محمودی، را تشدید کرد. مناطق اطراف قلعه ماکو در کنترل ایلات و عشایر محمودی و

۲. از قبایل مهم ترک ساکن ایران که در دوره شاه تهماسب بیشتر در عراق عجم سکونت داشتند و رؤسای آن از امرای بزرگ و مقرب شاه تهماسب بودند (تاریخ قزلباشان، ۱۳۶۱: ۴۱).

۱. یکی از طوایف کرد که در این دوره بر نواحی چورس و خوی امارت داشتند و رقابت و دشمنی دیرینه‌ای با ایل محمودی داشتند (اشتهاردی، ۱۰-۱۵ب)

سنت را در میان قوم خود بسط داد. به خاطر این اقدامات او مورد عنایت خاص سلطان عثمانی قرار گرفت و اقطاعاتی برای او در نظر گرفتند (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱/ ۳۰۶-۳۰۷). با این مقدمات عثمانی‌ها در سال ۹۸۶ق به فرماندهی لکه مصطفی پاشا حملات گسترده‌ای را به نواحی شمال غرب ایران آغاز کردند (سلانیک، ۱۹۷۰م: ۱۴۶-۱۴۷؛ اوزون چارشلی، ۱۳۷۷: ۵/ ۱۳۹).

#### ۴. وضعیت قلعهٔ ماکو در دورهٔ تسلط عثمانی‌ها

با تسلط ایل محمودی بر قلعهٔ ماکو، ناحیهٔ ماکو به مرکزیت قلعهٔ ماکو زیر نظر بیگلربیگی وان قرار گرفت و حکمران وان با اعزام قوای نظامی و استحکام بخشی به حصارهای آن، موقعیت عثمانی‌ها را در این دژ تقویت نمود (Kiliç, 2012: 89, 97-98; Kiliç, 1997: 76). حملات عثمانی‌ها به شمال غرب ایران با کشتار و غارت‌های گسترده، به‌ویژه از جانب ایلات وابسته به آنان همراه بود و باعث می‌شد که بسیاری از مردم این مناطق به قسمت‌های داخلی ایران فرار کنند (اسکندربیگ ترکمان، ۱۳۸۷، ۲۳۱/۱). عثمانی‌ها از این فرصت برای تغییر ترکیب قومی و مذهبی این منطقه بهره برده و ایلات و عشایر وابسته به خود را جایگزین مردمان فراری می‌کردند و از این طریق نفوذ معنوی و اقتصادی خود را در خطوط مرزی تثبیت می‌نمودند. همچنین با تغییر ترکیب قومی این مناطق، حکومت عثمانی از شر نیروهای وفادار به حکومت صفوی خلاص می‌شد و احتمال شورش به نفع حکومت صفویان در این مناطق به حداقل می‌رسید. در فرمانی که به تاریخ

در این برهه با ضعف حکومت صفوی و حضور نظامی عثمانی‌ها در مرزها، در مدار سیاست آنان قرار گرفتند. همچنین عثمانی‌ها برای پیشبرد اهداف خود در این منطقه، بین امرای محمودی و دنبلی واسطهٔ صلح شدند (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱/ ۳۰۱-۳۰۶، ۳۱۷؛ اشتهااردی، ۱۵ب-۱۶ الف). عثمانی‌ها برای حمایت مالی از ایلات وابسته به خود و ایجاد رعب و وحشت در میان مردمان وفادار به حکومت صفویه در شمال غرب ایران، به ایلات تابع خود دستور قتل و غارت در این مناطق را دادند. در این راستا اکراد محمودی به رهبری حسن بیگ بخش وسیعی از مناطق شمال غرب ایران در اطراف ماکو و چورس را غارت کردند و مردمان بسیاری را کشتند (Kütükoğlu, 1993: 1\45).

والی وان در پاییز سال ۹۸۶ق مأموری مخفی به سوی «بیگ قلعهٔ ماکو» که از طایفهٔ بیات بود، فرستاد تا او را به طرف عثمانی‌ها متمایل کند. حاکم ماکو که شاهد تفرقهٔ قزلباشان بود و منطقهٔ حاکمیت او به دست اکراد غارت شده بود، انگیزهٔ لازم برای دفاع از این قلعه را نداشت، پس به فرستادهٔ والی وان روی خوش نشان داد و حاکمیت ماکو را به عثمانی‌ها واگذار کرد و آنها حکومت این شهر را به هم‌پیمانان خود در ایل محمودی واگذار کردند (Kirzioğlu, 1976: 318; Kütükoğlu, 1993: 1\45). این واقعه آغاز تسلط عثمانی‌ها بر قلعهٔ ماکو است که در منابع به صورت صریح بازتاب یافته است. حسن بیگ رئیس ایل محمودی برای نشان دادن وابستگی بیشتر خود به سلطان عثمانی، از آیین یزیدی دست کشید و احکام دین اسلام و مذهب اهل

سیاست آنها برای آباد کردن این مناطق و جایگزینی ایلات طرفدار عثمانی با قزلباشان وفادار به خاندان صفوی را اجرا کند. او ایل محمودی را در داخل قلعه ماکو و بیلاقات اطراف آن ساکن نمود. عوض بیگ محمودی تا سال ۱۰۰۲ق که کشته شد، حکومت قلعه ماکو را بر عهده داشت (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱/۳۰۸).

قلعه ماکو در تشکیلات اداری حکومت عثمانی، عنوان «سنجاق»<sup>۴</sup> را داشت و پس از تصرف مناطق شمال غرب ایران تحت نظر

بیگلربیگی ایروان قرار گرفت ( 74 Numralı Mühimme Defteri, 2015: 178؛ درویش پاشا، ۱۳۹۷:

۱۴۲). امرای محمودی براساس رسم «اوجاقلیق» به صورت موروثی بر آن حکومت می کردند. عثمانی ها از خدمات نظامی ایل محمودی و وفاداری آنان به خود رضایت داشتند. حسن بیگ و عوض بیگ از رهبران این ایل در اردوکشی های عثمانی ها در داخل ایران کشته شده بودند، بنابراین پس از مرگ عوض بیگ، سنجاق ماکو به دستور سلطان عثمانی به پسر او مصطفی بیگ

واگذار شد (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱/۳۰۸-۳۰۹؛ 74 Numralı Mühimme Defteri, 2015: 178-179). او تا اواسط سلطنت شاه عباس اول در ماکو امارت داشت.

اکراد محمودی در این منطقه از استقلال داخلی برخوردار بودند و با انجام خدمات نظامی به سلطان عثمانی از معافیت مالیاتی برخوردار بودند

۱۵ صفر ۹۸۷ از طرف سلطان مراد سوم به لله مصطفی صادر شده، آمده است که برای آبادانی و جبران کمبود جمعیت ماکو و دیگر نواحی نظیر ایروان و نخجوان که قزلباش ها این مناطق را ترک کرده اند، اکراد کرمانج<sup>۱</sup> سنی مذهب جایگزین شوند؛ بنابراین برخی عشایر کرد از جمله ایل محمودی با اعلام وابستگی به عثمانی ها به حکومت مناطق مرزی از جمله ماکو رسیدند و ایل خود را در این مناطق مستقر کردند (Kirzioğlu, 1976: 438).

حسن بیگ محمودی در رأس ایل محمودی خدمات نظامی متعددی برای عثمانی ها انجام داد. او سرانجام در جنگ های عثمانی ها با صفویان در تبریز، در سال ۹۹۳ق کشته شد (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱/۳۰۸؛ ابوبکر بن عبدالله، ۱۳۹۲: ۱۶۵-۱۶۶). بدلیسی معتقد است عثمانی ها در زمان حیات حسن خان حکومت قلعه ماکو را «بطریق اوجاقلق»<sup>۲</sup> و باقطاع تملیکی<sup>۳</sup> به پسر او عوض بیگ دادند؛ اما آغاز حکومت عوض بیگ در ماکو را مشخص نکرده است. اما بر اساس آنچه که پیش تر آمد عثمانی ها در سال ۹۸۶ق قلعه ماکو را تصرف کردند.

بنابراین عثمانی ها حکومت قلعه ماکو را پس از سال ۹۸۶ق به عوض بیگ واگذار کردند تا

۱. نام گروه بزرگی از مردم کرد است که به زبان کردی گویش کرمانجی سخن می گویند. کردهای کرمانج از پهنه وسیعی از جمله شرق و جنوب شرق ترکیه و شمال غرب ایران زندگی می کنند (اسدی فر، ۱۳۹۵: ۵۵۶).

۲. واگذاری حکومت منطقه ای به صورت موروثی به یک خانواده (Kiliç, 2007: 217-218).

۳. واگذاری زمین به صورت موروثی و معاف از مالیات (لمبتون، ۱۳۶۲: ۸۲-۸۶).

۴. سنجاق واحد اصلی اداری در امپراتوری عثمانی بود. از مجموعه چندین سنجاق بیگ، بیگلربیگی گری یا ایالت تشکیل می شد. سنجاق های خودمختار موروثی در شرق آناتولی تحت امر رهبران ایلات اداره می شد (اینالچق، ۱۳۸۸: ۲۰۲، ۳۹۱).

(بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱/ ۳۰۸؛ اینالجتی، ۱۳۸۸: ۱۸۳).

به مقابله با صفویان فرستاد (محمد بن محمد، ۱۲۷۶: ۲۲۱). اغلب امرا و خوانین مناطق مرزی از جمله مصطفی‌بیگ محمودی با مشاهده تحرکات عثمانی‌ها برای بازپس‌گیری مناطق شمال‌غرب ایران و با احتمال پیروزی جغال‌اوغلی، مجدداً به عثمانی‌ها گرویدند (نعیما، ۱۲۸۱: ۳۹۴-۳۹۵/۱؛ اسکندریبگ ترکمان، ۱۳۸۷: ۶۶۹/۲). شاه عباس، الهوردی‌خان را مأمور مقابله با جغال‌اوغلی کرد و در نتیجه اقدامات او اردوی عثمانی موقتاً از مرزهای ایران دور شد.

در این شرایط شاه عباس به فکر تنبیه متحدان عثمانی، از جمله مصطفی‌بیگ محمودی، افتاد؛ زیرا او دوباره به عثمانی‌ها پیوسته و از طرف جغال‌اوغلی مأمور حمله و غارت شهرهای مرزی ایران شده بود (اسکندریبگ ترکمان، ۱۳۸۷: ۶۷۸-۶۷۷؛ نعیم، ۱۲۸۱: ۳۹۸/۱). شاه‌عباس در اواخر تابستان ۱۰۱۴ ق بخشی از لشکریان خود را برای مجازات امرای محمودی به قلعهٔ پسک<sup>۲</sup> فرستاد و خود در رأس قشون مرکزی عازم ماکو شد. قلعهٔ ماکو در این دوره دارای دو حصار بود

قلعهٔ ماکو که در پای کوه میانه دره واقع است و از غایت رفعت و انسداد طریق دست هیچ صاحب شوکتی به‌دامن آن نرسیده و به‌جز سلطان چهار بالش آفتاب طناب تسخیر به‌کنگره

## ۵. قلعهٔ ماکو در دورهٔ شاه عباس اول

شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ ق)، در ابتدای سلطنت با شورش قزلباشان و هجوم همسایگان شرقی و غربی به قلمرو خود مواجه شد. او برای بازسازی اوضاع داخلی و مقابله با ازبکان، با عثمانی‌ها صلح کرد و بخش بزرگی از غرب و شمال‌غرب کشور از جمله قلعهٔ ماکو را به آنها داد (صولاق‌زاده، ۱۲۹۸: ۶۱۴؛ اسکندریبگ ترکمان، ۱۳۸۷: ۱/ ۴۱۰). شاه عباس در سال ۱۰۱۲ ق، پس از سروسامان دادن به اوضاع داخلی و امنیت بخشیدن به مرزهای شرقی، به مقابله با عثمانی‌ها پرداخت. او با حملهٔ برق‌آسا تبریز را فتح و شروع به بازپس‌گیری دیگر شهرهای آذربایجان کرد (منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۲۴۸؛ خیرالله افندی، ۱۲۸۲: ۳/ ۱۵-۴). عثمانی‌ها و امرای هم‌پیمان آنان در حملات اولیهٔ شاه عباس به آذربایجان غافلگیر شدند؛ لذا مصطفی‌بیگ حاکم قلعهٔ ماکو مصلحت حال را در نظر گرفته و به شاه عباس گروید. او در نخجوان به دیدار شاه عباس رفت و قشون صفوی را در فتح ایروان همراهی کرد (نعیما، ۱۲۸۱: ۳۵۹/۱؛ منجم یزدی، ۱۳۶۳: ۲۶۰).

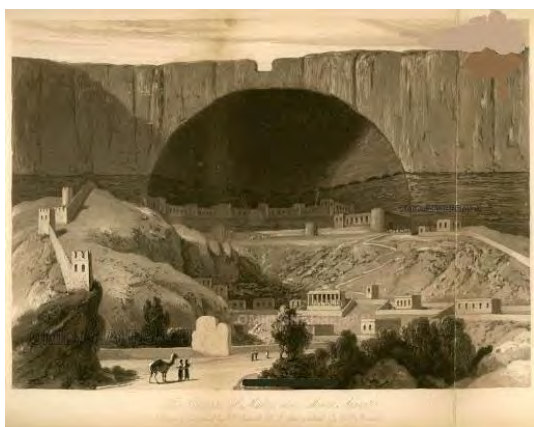
با رسیدن خبر فتوحات شاه عباس به دربار عثمانی، سلطان احمد اول، یوسف سنان پاشا جغال‌اوغلی<sup>۱</sup> را در سال ۱۰۱۳ ق با لشکری مجهز

۱. چقال‌اغلی آمده است (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۴: ۱۸۱؛ جنابدی، ۱۳۷۸: ۷۷۷).

۲. قلعه‌ای واقع در ۹ کیلومتری غرب خوی که یکی از مساکن مهم ایل محمودی بود. مینورسکی نام آن را پشک ذکر کرده و محل آن را بین مهاباد و اشنویه ذکر کرده است. منطقه ذکر شده توسط مینورسکی از سکونتگاه ایل محمودی در نزدیکی ماکو و خوی بسیار دور است و اشتباه است (مینورسکی، ۱۳۷۸: ۱۹۰).

۱. یوسف سنان پاشا جغال‌اوغلی سردار و صدراعظم عثمانی که نامش در منابع عثمانی به صورت جغال‌زاده، جغاله‌زاده، جیغاله‌زاده (پچوی، ۱۸۶۶: ۲۶۱/۲؛ ثریا، ۱۳۱۱: ۱۱۱؛ رفیق، ۱۳۱۸: ۱۲۴) و در منابع صفوی به صورت جغال‌اوغلی، جغال‌اوغلی و





قدیمی ترین تصویر بر جای مانده از قلعه ماکو در اوایل سده نوزدهم (صفحات آغازین: Alcock, 1831)

در پاییز سال ۱۰۱۴ق، مصاف قشون صفوی و عثمانی در نزدیکی صوفیان رخ داد. امرای کرد که با احتمال پیروزی عثمانی ها وارد اردوی جغال اوغلی شده بودند، پس از شکستی که در روز اول بر قشون عثمانی وارد شد، متوجه موقعیت خطرناک خود شدند و از جمله اولین گروه هایی بودند که اردوی عثمانی را ترک کرده و به محل حکمرانی خود بازگشتند و زمینه ساز شکست قطعی عثمانی ها شدند (نعیما، ۱۲۸۱: ۸/ ۴۲۸-۴۲۷). پس از شکست و عقب نشینی اردوی جغال اوغلی «امراء اکراد طوعاً او کرهاً قدم در دایره متابعت» حکومت صفوی نهادند (اسکندریگ ترکمان، ۱۳۸۷: ۲/ ۷۰۷). مصطفی بیگ محمودی که جغال اوغلی را در نبرد با صفویان همراهی کرده و پس از فرار جغال اوغلی در قلعه ماکو پناه گرفته بود، با وساطت امیرگونه خان قاجار، حکمران ایروان، شمشیر به گردن انداخته به درگاه شاه عباس آمد و عفو شد (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۱۶۶؛ جنابدی، ۱۳۷۸: ۷۹۳). در سال بعد (۱۰۱۵ق) نیز امرای کرد، از جمله مصطفی بیگ، در نخجوان به

آن نینداخته [...] و قلعه دیگر که در دامن کوه مسکن اصلی او [مصطفی بیگ] بود (اسکندریگ ترکمان، ۱۳۸۷: ۲/ ۶۸۷).

مصطفی بیگ با اتکا به استحکامات این دژ به قلعه داری پرداخت. در حمله صفویان حصار اول قلعه ماکو تخریب شد و ساکنان و مدافعان آن کشته شدند (همان: ۲/ ۶۸۸)؛ اما قلعه اصلی که به صورت دژ کلاه بود و ضلع شمالی، شرقی و غربی آن با کوه و ضلع جنوبی آن با دیواره های سنگی مستحکم شده بود، در برابر توپخانه صفویان مقاومت کرد. در مدت ده روزی که شاه عباس در اطراف قلعه ماکو حضور داشت، برای تضعیف قدرت جنگی و اقتصادی ایل محمودی بسیاری از مردان و زنان این ایل که در خارج قلعه بودند، کشته شده و اموالشان به غارت رفت؛ اما قلعه اصلی ماکو تسلیم نشد (همانجا؛ جنابدی، ۱۳۷۸: ۷۸۴؛ وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۱۶۲). با گذشت زمان، شاه عباس متوجه شد که فتح قلعه ماکو به مدت زمان طولانی نیاز دارد، بنابراین او که در آستانه نبردی بزرگ با جغال اوغلی قرار داشت، نخواست با اقامت طولانی مدت و بی نتیجه در پای قلعه ای که متعلق به رئیس یک طایفه بود روحیه جنگی قشون خود را تضعیف کند، بنابراین از ماکو عقب نشینی کرد.

بود روحیه خود را از دست داده و بیش از پیش تضعیف شده بودند؛ بنابراین نتوانستند در برابر قشون امیرگونه‌خان مقاومت کنند و به رهبر فراری خود در وان پیوستند و در پناه عثمانی‌ها قرار گرفتند و قلعه ماکو به دست نیروهای صفوی افتاد. به دنبال تصرف دژ ماکو قشون صفوی قلعه بایزید<sup>۱</sup> - که از دیگر مقرهای ایل محمودی در این منطقه بود - را فتح کرد و ایل محمودی را از قلمرو حکومت صفویان بیرون راند (اسکندریبگ ترکمان، ۱۳۸۷: ۷۴۲/۲؛ وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۱۶۷؛ نوایی، ۱۳۵۳: ۱۳).

بر اساس گزارش اسکندریبگ، امیرگونه‌خان پس از فتح قلاع ماکو و بایزید و اخراج طایفه محمودی از آن مناطق «فوجی از غازیان بیات را به محافظت قلاع تعیین نمودند» (اسکندریبگ ترکمان، ۱۳۸۷: ۷۴۲/۲). او به جزئیات بیشتری از این واقعه اشاره نکرده است، اما سندی از دوره سلطنت شاه سلطان حسین صفوی در سال ۱۱۱۷ق وجود دارد که اطلاعات بیشتری در این مورد به دست می‌دهد:

فرمان همایون شد. آنکه چون در این وقت غازیان بیات ملازمان مستحفظین قلعه ماکویه و ساکنین آنجا به عرض رسانیدند که در ایام نواب گیتی‌ستان فردوس مکان جمعی کثیر از جماعت بیات که در ولایت عراق و چخور سعد ساکن بودند، مقرر شده که به ولایت آذربایجان رفته در الکا آنجا سکنی اختیار نمایند و از آن جمله مقدار سیصد خانوار که اجداد و آباء ایشان بودند به قلعه ماکو مأمور شدند که نزد مرحوم

دیدار شاه عباس آمدند و حکومت قلعه ماکو «به مصطفی بیگ شفقت شده مبلغ دویست تومان شاهی عراقی زر نقد به او انعام فرمودند» (اسکندریبگ ترکمان، ۱۳۸۷: ۷۲۱/۲).

تلاش ایل محمودی برای جلب رضایت شاه عباس به نتیجه نرسید، علی‌رغم اعلام وفاداری این ایل به شاه عباس، اتحاد دیرینه سران ایل محمودی با حکومت عثمانی عامل سوءظن شاه عباس به آنان شده و حضور این ایل در خطوط مرزی ایران با عثمانی باعث شکنندگی حاکمیت صفویان در این منطقه گردیده بود. در این شرایط شاه عباس به تقویت ایل دنبلی وفادار به حکومت صفوی در مناطق شمال غرب ایران پرداخت و ایل محمودی را تحت فشار قرار داد. مصطفی بیگ محمودی در سال ۱۰۱۶ق در تبریز تحت نظر قرار داشت، او از ترس شاه عباس به شهر وان فرار کرد و به عثمانی‌ها پناهنده شد (همان: ۲/ ۷۴۱-۷۴۲). شاه عباس پس از این ماجرا بهانه لازم را برای قلع و قمع ایل محمودی به دست آورد و در رأس قشون صفوی عازم چورس شد. او با ترفندی زینل بیگ محمودی، حاکم این شهر، را به قتل رساند و سلمان سلطان دنبلی را به حکومت چورس منصوب کرد. او نیز به دستور شاه عباس بسیاری از مردان محمودی را در چورس به قتل رساند و زنانشان را به اسارت گرفت (اشتহারدی، ۲۰، ب، ۲۱ الف؛ نادر میرزا، ۱۳۹۳: ۲۵۵). پس از این واقعه به دستور شاه عباس، امیرگونه‌خان قاجار به قلعه ماکو حمله کرد. طایفه محمودی ساکن ماکو با حوادث رخ داده در چورس متوجه عزم راسخ شاه عباس برای قتل عام خود گشته و در غیاب رهبرشان، مصطفی بیگ، که به وان پناهنده شده

۱. شهری در ترکیه و در ۶۰ کیلومتری شمال غربی ماکو.

## ۶. وضعیت قلعه ماکو پس از صلح زهاب

در جنگ‌های ایران و عثمانی در دوره شاه صفی (۱۰۵۲-۱۰۳۸ق)، قلعه ماکو دوباره به تصرف عثمانی‌ها درآمد. سلطان مراد چهارم در سال ۱۰۴۵ق به محاصره قلعه ایروان پرداخت و این شهر با خیانت حکمران آن، تهماسب‌قلی‌خان قاجار، به تصرف قشون عثمانی درآمد (83Numrali). در این دوره قلعه ماکو از نظر اداری زیر نظر ایالت چخور سعد قرار داشت؛ لذا با سقوط ایروان، حکام قلعه ماکو<sup>۱</sup> و بایزید از برابر سپاه عثمانی فرار کردند و این دو قلعه نیز به دست آنها افتاد. شاه صفی که در این سال‌ها بسیاری از فرماندهان جنگ را به خاطر شکست از عثمانی به قتل می‌رساند، دستور کشتن حاکمان این دو قلعه را نیز صادر کرد (خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۹۹؛ واله قزوینی، ۱۳۸۲: ۲۲۲). عثمانی‌ها پس از تصرف ماکو حکومت این قلعه را به وابستگان دیرین خود در ایل محمودی دادند و آنها چهار سال در این قلعه حکومت کردند (Kürtülüş, 2003: 458).

این جنگ‌ها در سال ۱۰۴۹ق، با عقد معاهده صلح زهاب به پایان رسید. این قرارداد به اختلافات ارضی و نظامی طرفین پایان داد و روابط مسالمت‌آمیز این دو حکومت را تا سقوط اصفهان در سال ۱۱۳۵ق تضمین کرد. بر اساس این معاهده مقرر گردید که در مرز دو کشور،

خانعلی سلطان حاکم قلعه مزبوره رفته، یکصد و پنجاه خانوار به خدمت مستحفظی و قراولی قلعه مزبوره و به خدمات مرجوعه حکام آنجا قیام و اقدام نمایند و از تاریخی که آن جماعت به امر مزبوره مأمور شدند الی الان، ابا عن جدّاً به نحو مقرر محافظت و کشیک و قراولی قلعه مزبور و خدمات مرجوعه حکام آنجا را به تقدیم رسانیده [...] . تحریراً جمادی الثانیه ۱۱۱۷ (افتخاری بیات، ۱۳۸۱: ۵۳-۵۴؛ عزیزالسلطان، ۱۳۷۶: ۴ / ۳۲۸۷-۳۲۸۶).

در بین منابع متأخر صفوی لقب «نواب گیتی‌ستان فردوس مکان» به کار رفته در سند فوق در اشاره به شاه عباس اول استفاده می‌شد (نصیری، ۱۳۷۳: ۳۳؛ بیانی، ۱۳۴۷: ۱۵)، بنابراین روایت اسکندریبگ از مهاجرت بخشی از ایل بیات به ماکو در دوره شاه عباس اول برای حفاظت از این قلعه تأیید می‌شود. مبدأ این مهاجرین از عراق عجم و چخور سعد بود. تعداد کوچندگان به قلعه ماکو حدود سیصد خانوار از ایل بیات بودند. از بین آنها صد و پنجاه خانوار به کار قراولی و محافظت از قلعه ماکو مشغول شدند. به نظر می‌رسد همان‌گونه که اسکندریبگ روایت کرده مأموریت مهاجرین بیات محافظت از قلاع ماکو و بایزید بود، بنابراین صدوپنجاه خانواده بعدی در قلعه بایزید ساکن شدند. برداشت اشتباه از این سند و بی‌توجهی به روایت اسکندریبگ باعث شده است که برخی منابع دوره شاه سلطان حسین را زمان مهاجرت بیات‌ها به ماکو ذکر کنند (افتخاری بیات، ۱۳۸۱: ۱۹-۱۸؛ Qarayev, 2010: 198-199).

۱. در کتاب خلدیرین به جای قلعه ماکویه، «قلعه باکویه» ثبت شده است. به نظر می‌رسد این اشتباه از جانب نسخه‌نویسان یا مصحح کتاب رخ داده است (واله قزوینی، ۱۳۸۲: ۲۲۲).

تخریب شدند (Kürtülüş, 2003: 458-459). همچنین تسلط هر کدام از دو حکومت بر این دژهای مرزی موثره قدرت در این مناطق را به نفع آنان تغییر می‌داد، پس طرفین برای ایجاد تعادل در نفوذ خود در مرزها، به تخریب این قلاع از جمله دژ ماکو دست زدند. از طرفی سلطان مراد چهارم در لشکرکشی سال ۱۰۴۵ق به اهمیت و استحکام قلعه ماکو و قطور پی برد و حتی قشون بزرگ او نتوانست قلعه قطور را که تنها چند نفر محافظ داشت، تصرف کند (روزنامه سفر سلطان مراد چهارم به *ایروان و تبریز*، ۱۳۹۰: ۱۲۹)، بنابراین برای اینکه ایرانیان از این قلاع برای نظارت و کنترل مرزها بهره‌مند نشوند، دستور داد تا انهدام این دو قلعه در متن عهدنامه صلح ذکر شود (Minorsky, 1993, 5/181).

با تخریب قلعه ماکو به نظر می‌رسید که منازعه صفویان و عثمانی‌ها بر سر آن پایان یافته، اما به خاطر اهمیتی که این قلعه برای نظارت بر مسیر تجاری عبوری از شمال غرب ایران به آناتولی و کنترل ایلات و عشایر این منطقه داشت، روند بی‌طرفی و مخروبه ماندن آن پایدار نماند و با مرگ سلطان مراد چهارم (۱۵ شوال ۱۰۴۹) صفویان از فرصت استفاده کردند و با نقض مفاد عهدنامه صلح، قلعه ماکو را دوباره متصرف شده و حصارهای آن را بازسازی کردند (Kürtülüş, 2003: 458). در این برهه، تسلط صفویان بر قلعه ماکو حدود سه سال طول کشید. وجود سنگ‌نوشته‌ای بر دیواره قلعه ماکو که بر اساس آن شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ق)، دستور تخریب دیوارهای قلعه ماکو را در سال ۱۰۵۲ق

قلاع ماکو و معاذبرد<sup>۱</sup>، از طرف عثمانی‌ها، و قلاع قطور و زنجیر<sup>۲</sup>، از سوی ایرانیان، تخریب شده و به عنوان مناطق بی‌طرف مرزی متروکه گردند (خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۲۷۰؛ واله قزوینی، ۱۳۸۲: ۲۷۶). عثمانی‌ها برای عمل به مفاد صلح‌نامه، نیروهای خود را از قلعه ماکو بیرون کشیدند و حصارهای قلعه را تخریب کردند (Çelebi, 2012, 2/259؛ چلبی‌زاده، ۱۲۸۲: ۵ / ۳۸۸؛ نعیم، ۱۲۸۱: ۳ / ۴۳۰؛ Konük, 2005: 92). مذاکرات صفویان و عثمانی‌ها برای مشخص کردن حدود، از الگوی خاصی پیروی می‌کرد و اگر در مرزهای طرفین دولت حائلی اعم از والی‌نشین یا فرمانروایی نیمه‌مستقل چون برخی امیرنشین‌ها وجود نداشت، معمولاً دو طرف توافق می‌کردند که آن نواحی را چون نوعی منطقه بی‌طرف، خالی از جمعیت، متروک و ویران رها کنند. ماکو نیز در مذاکرات سال ۱۰۴۹ق این وضعیت را پیدا کرد و قلعه آن به عنوان یک منطقه بی‌طرف مرزی شناخته و تخریب شد (مرندی یکانلو، ۱۳۹۵: ۷۱-۷۲؛ فلور، ۱۳۸۷: ۱۱۴). قلاع ذکر شده در معاهده در وسط خط مرزی میان دو کشور قرار داشتند و از استحکام زیادی برخوردار بودند و اگر به دست شورشیان و ایلات غارتگر می‌افتادند، امنیت مرزها و آزادی تجارت میان طرفین با خطر مواجه می‌شد؛ بنابراین برای تأمین امنیت مرزها این قلاع

۱. قلعه‌ای در غرب آرپاچایی و آخرین نقطه شمال غربی ایران که در این عهدنامه از آن نام برده شده است. این قلعه امروزه در خاک ترکیه قرار دارد (مینورسکی، ۱۳۷۸: ۱۹۲).

۲. قلعه‌ای واقع در غرب کرمانشاه که در عهدنامه صلح آماسیه و زهاب به عنوان مرز ایران و عثمانی تعیین گردید (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۳۱۹ / ۱؛ اسکندریبگ ترکمان، ۱۳۸۷: ۲ / ۹۴۸-۹۴۹).

شده در رفت و آمد سفرای دو کشور در اوایل سلطنت شاه عباس دوم تأکید بر اجرای کامل مفاد صلحنامه ۱۰۴۹ق بود. بنابراین چنین به نظر می‌رسد که شاه عباس دوم در اوایل سلطنت با درخواست طرف عثمانی برای تخریب قلعه ماکو بر اساس معاهده صلح زهاب مواجه شد و چون در پی حفظ روابط دوستانه با آنها بود، دستور تخریب آن قلعه را صادر کرد. اشاره کتیبه دیواره دژ ماکو بر اینکه عامل تخریب قلعه تبدیل شدن آن به «خانه مکر مفسدان» بود، برای سرپوش نهادن بر علت اصلی تخریب بود (Minorsky, 1993: 5/181).

اهمیت نظامی قلعه ماکو باعث شد که این بار نیز روند بی طرفی و متروک ماندن آن طولانی نماند. در سال ۱۰۵۶ق مصطفی بیگ حاکم قلعه «شوشیک»<sup>۲</sup> به غارت قصبات و روستاهای مرزی ایروان پرداخت. علی خان، حاکم ایروان، ضمن اعلام شکایت به حکمران ارزروم، اقدامات حاکم شوشیک را نقض معاهده صلح تلقی کرد و با استفاده از فرصت، قلعه ماکو را تصرف کرد و به بازسازی آن پرداخت (Küpelı, Çelebi, 2012: 2/259). محمدپاشا، حکمران ارزروم، برای پایان دادن به روابط پرتنش با ایران، در رأس لشکری عازم تنبیه حکمران شوشیک شد. مصطفی بیگ، حکمران شوشیک، از برابر قشون عثمانی فرار کرد و به قلعه ماکو پناهنده شد. محمدپاشا هیئتی به ایران اعزام کرد که اولیاء

صادر کرده، بر پیچیدگی‌های منازعات ایران و عثمانی بر سر این دژ می‌افزاید:

این قلعه که اسم او قبان<sup>۱</sup> بود  
ضرب المثل همه جهان بود  
عباس شاه آنکه دولت فرد  
هر روز ز روز افزون بود  
فرمود خرابی این مکان را  
چون خانه مکر مفسدان بود  
[.....]  
تاریخ غنبد بر آن بود

(افتخاری بیات، ۱۳۸۱: ۱۷-۱۸)

تاریخ خرابی این قلعه بر اساس ماده تاریخ «تاریخ غنبد» مصادف با ۱۰۵۲ق است. تخریب قلعه ماکو در این سال در منابع رسمی صفوی بازتاب نیافته است. با توجه به صراحت عهدنامه صلح زهاب درباره تخریب قلعه ماکو، علت این واقعه را باید در روابط ایران و عثمانی در این برهه جستجو کرد. با مرگ شاه صفی و جلوس شاه عباس دوم بر تخت سلطنت، عثمانی‌ها نیاز دیدند تا با اعزام سفیری به ایران معاهده صلح زهاب را با شاه تازه به تخت نشسته تجدید کنند (نعیما، ۱۳۸۱: ۱۴-۱۵). در این راستا در اوایل سلطنت شاه عباس دوم سفیری از عثمانی «برای اظهار صلح» به ایران آمد (شاملو، ۱۳۷۴: ۱/۲۷۵). شاه عباس دوم هم نماینده‌ای به استانبول فرستاد و رعایت مفاد صلح را به آنان گوشزد کرد (اوزون چارشلی، ۱۳۷۷: ۵/۱۴۴). پس یکی از موارد مطرح

۱. در منابع تاریخی، نام قبان برای قلعه ماکو ذکر نشده است. در میان مردم بومی منطقه، کلمه قبان به معنی «برآمدگی» است و امروزه مردم ماکو این قلعه را «قبان» می‌نامند و به نظر می‌رسد مردمان ماکو در دوره صفوی نیز این قلعه را قبان می‌نامیدند.

۲. قلعه‌ای مستحکم از توابع ارزروم در نزدیکی مرزهای ایران

(Küpelı, 2011: 71)

که نمی‌خواستند بر سر قلعهٔ ماکو با حکومت صفویان وارد منازعه شوند، تنها به تهدیدات فوق اکتفا کردند و اقدام دیگری برای واداشتن حکومت صفوی به تخریب این دژ انجام ندادند.

با برقراری آرامش و امنیت در مرزهای ایران و عثمانی اطلاعات ناچیزی از قلعهٔ ماکو بر جای مانده است. ماکو در این دوره جزء ایالت چخور سعد بود و بیات‌ها با سکونت در آن، از این قلعه محافظت می‌کردند (افتخاری بیات، ۱۳۸۱: ۵۳-۵۴؛ عزیزالسلطان، ۱۳۷۶: ۴/ ۳۲۸۷-۳۲۸۶). عثمانی‌ها نیز همچنان به آبادی و احیای قلعهٔ ماکو معترض بودند. در آخرین مورد، در پی افندی در مأموریتی که در سال ۱۱۳۳ق به ایران داشت به این قضیه اعتراض کرد. اما طرف ایرانی به شکایات آنها توجهی نشان نداد (چلبی‌زاده، ۱۳۸۲: ۵/ ۳۸۸). با سقوط اصفهان و آغاز حملات عثمانی‌ها به ایران، ماکو از جمله اولین مناطقی بود که به دست آنان اشغال شد و منازعات ایرانیان با عثمانی‌ها بر سر آن مدت‌ها ادامه یافت ( İravan əyalətinin icmal ) (dəftəri, 1996: 34-35; گیلاننتر، ۱۳۷۱: ۱۲۶).

#### ۷. نتیجه

با تشکیل حکومت صفوی رقابت همه‌جانبه‌ای میان آنان و عثمانی‌ها آغاز شد. تسلط بر مناطق شرق آناتولی و شمال‌غرب ایران یکی از ابعاد مهم این رقابت بود. قلعهٔ ماکو به علت قرار گرفتن در نقطهٔ اتصال ایران به آناتولی در کانون این منازعات قرار گرفت و منازعهٔ نظامی و سیاسی دو قدرت برای تسلط بر آن تا سقوط اصفهان ادامه یافت. تسلط عثمانی‌ها بر قلعهٔ ماکو

چلبی، سیاح معروف عثمانی، یکی از اعضای آن بود. مأموریت این گروه استرداد بیگ شوشیک به عثمانی و درخواست تخریب قلعهٔ ماکو بود. فرستادگان عثمانی ابتدا به پای قلعهٔ ماکو رفتند و حاکم ماکو بعد از مذاکرات مفصل، حاکم شوشیک را به آنان تسلیم کرد (Çelebi, 2012, 2/260).

نمایندگان عثمانی در گام بعدی درخواست کردند تا قلعهٔ ماکو طبق صلح نامهٔ ۱۰۴۹ق ویران شود. احمد پاشا، رئیس این هیئت، در کنار رود ارس خطاب به نمایندگان ایران عنوان کرد که:

ما در دولت عثمانی، عملی مغایر با صلح روا ندیده، [...]؛ حال، شما نیز عملی برخلاف صلح نکرده، عساکری را که در قلعهٔ ماکو [ماکو] گذاشته‌اید بیرون کشیده، قلعه را بر اساس قانون صلح، خراب نمایید و اِلّا سردار طغراکشام الساعه با لشکر دریا مثال خود، منطقهٔ روان [ایروان] و نخجوان را نهب و غارت می‌کند. ایلچیان سر بر زمین گذاشتند و گفتند: بر سر و چشم (Çelebi, 2012, 2/260-261).

صفویان حساسیت طرف عثمانی بر سر قلعهٔ ماکو را می‌دانستند؛ پس تمهیدات دفاعی لازم را از پیش تدارک دیده و برای مقابله با هرگونه اقدام احتمالی طرف عثمانی، دو هزار تفنگچی مازندرانی<sup>۱</sup> در این قلعه گماشته بودند (Çelebi, 2012, 2/260). با این مقدمات صفویان به درخواست آنها ترتیب اثر ندادند و قلعهٔ ماکو را تخریب نکردند (Minorsky, 1993, 5/ 182). عثمانی‌ها

۱. از زمان شاه عباس اول، نیرویی مرکب از تفنگچیان پیاده تشکیل شد که برای حفاظت از قلاع نظامی از آنان استفاده می‌شد (دلاواله، ۱۳۸۴: ۵۲، ۲۷۶-۲۷۵).

بودند، اما در مورد قلعه ماکو سنت‌شکنی کردند و با نقض این معاهده، قلعه ماکو را که بر اساس آن صلح‌نامه به عنوان منطقه بی‌طرف مرزی تخریب شده بود، دوباره تصرف نمودند و ایل بیات را مجدداً بر آن حاکم نمودند و به اعتراض طرف عثمانی در این مورد ترتیب اثر ندادند. حکومت موروثی طولانی مدت ایل بیات در قلعه ماکو تا سقوط اصفهان، نشان دهنده پیروزی صفویان بر عثمانی‌ها در منازعه بر سر قلعه ماکو بود.

#### منابع

- ابوبکر بن عبدالله (۱۳۹۲). تاریخ عثمان پاشا: شرح بیورش عثمانی به قفقاز و آذربایجان و تصرف تبریز (۹۹۱-۹۹۳ قمری). به کوشش یونس زیرک. ترجمه و توضیحات نصرالله صالحی. تهران: طهوری.
- اسدی‌فر، سعید (۱۳۹۵). سرزمین کرمانجها: نگاهی به نژاد، تاریخ، جغرافیا و مسکن اولیه و آداب و رسوم قوم ایرانی کرد از ادوار گذشته تاکنون. تهران: سفیر اردهال.
- اسکندریگ ترکمان (۱۳۸۷). تاریخ عالم آرای عباسی. به کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- اشتهاردی، محمد حسن. تذکره الدنابله. نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی. ثبت ۸۳۴۵.
- افتخاری بیات، حسینقلی (۱۳۸۱). تاریخ ماکو. به کوشش حسین احمدی. تهران: شیرازه.
- افشته‌ای نطنزی، محمود بن هدایت الله (۱۳۷۳). نقاوه الآثار فی ذکرالانخيار. به اهتمام احسان اشراقی. تهران: علمی و فرهنگی.
- اوزون چارشلی، اسماعیل حقی (۱۳۷۷). تاریخ عثمانی. ترجمه ایرج نوبخت. تهران: کیهان.
- اینالچق، خلیل (۱۳۸۸). امپراتوری عثمانی (عصر متقدم

در این دوره به دو صورت محقق می‌شد؛ در شکل اول، با لشکرکشی‌های عثمانی‌ها به ایران، قلعه ماکو به عنوان یکی از پادگان‌های مرزی صفوی به تصرف آنان درمی‌آمد، اما این روند پایدار نبود و با عقب‌نشینی قوای عثمانی از خاک ایران، شاهان صفوی به راحتی بر قلعه ماکو و دیگر مناطق مرزی مسلط می‌شدند. اما در صورت دوم که در دوره ضعف صفویان از دوره شاه سلطان محمدخداپنده تا حمله شاه عباس اول به آذربایجان ادامه یافت، قلعه ماکو به مانند بقیه مناطق شمال‌غرب ایران به تصرف عثمانی‌ها درآمد. آنها برای تثبیت قدرت خود در قلعه ماکو، ایل محمودی را در آن حکومت دادند و با تغییر ترکیب قومی و مذهبی این ناحیه، حکمرانی به نسبت پایداری در قلعه ماکو ایجاد کردند. با افزایش قدرت شاه عباس اول و حمله او به آذربایجان، روند تسلط عثمانی‌ها بر قلعه ماکو تغییر کرد. شاه عباس پس از بازپس‌گیری مناطق اشغال شده به دست عثمانی‌ها، برای تثبیت نفوذ صفویان در مناطق مرزی از جمله دژ ماکو، متحدان ایلی - نظامی حکومت عثمانی از جمله ایل محمودی را تنبیه کرد و آنها را از خاک ایران و قلعه ماکو اخراج نمود و ایل بیات شیعه مذهب را جایگزین آنان در این قلعه نمود.

شاه صفی و جانشینانش، قلعه ماکو را به عنوان یکی از نقاط سرحدی ایران تعریف کردند و تحت هر شرایطی حاضر به کوتاه آمدن از حاکمیت ایران بر این قلعه نشدند. علی‌رغم اهمیت زیادی که آنان به حفظ روابط دوستانه با حکومت عثمانی، در قالب صلح زهاب، قائل

- ۱۳۰۰ تا ۱۶۰۰). ترجمه کیومرث قرقلو. تهران: بصیرت.
- بدلیسی، شرف‌الدین بن شمس‌الدین (۱۳۷۷). شرف‌نامه: تاریخ مفصل کردستان. به اهتمام ولادیمیر ولیامینوف زرنوف. تهران: اساطیر.
- بیانی، خانابا (۱۳۴۷). «اسناد و نامه‌های تاریخی دوره صفوی». مجله بررسی‌های تاریخی. شماره ۱۵ و ۱۶. ص ۲۹-۱.
- پجوی، ابراهیم (۱۸۶۶م). تاریخ پجوی. استانبول: مطبعة عامره.
- تاریخ قزلباشان (۱۳۶۱). به کوشش میرهاشم محدث. تهران: بهنام.
- ثریا، محمد (۱۳۱۱). سجل عثمانی. استانبول: مطبعة عامره.
- جنابدی، میرزا بیگ حسن بن حسینی (۱۳۷۸). روضه الصفویه. به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- چلبی‌زاده، اسماعیل عاصم افندی (۱۲۸۲). تاریخ راشد. استانبول: مطبعة عامره.
- حسینی استرآبادی، سیدحسین بن مرتضی (۱۳۶۶). تاریخ سلطانی: از شیخ صفی تا شاه صفی. به کوشش احسان اشراقی. تهران: علمی.
- حمدالله مستوفی (۱۳۶۲). نزه القلوب. به سعی گای لسترنج. تهران: دنیای کتاب.
- خواجگی اصفهانی، محمد معصوم (۱۳۶۸). خلاصه السیر. به کوشش ایرج افشار. تهران: علمی.
- خیرالله افندی (۱۲۸۲). تاریخ دولت علیه عثمانیه. استانبول: مطبعة عامره.
- درویش پاشا (۱۳۹۷). لایحه تحدید حدود ایران و عثمانی (۱۲۶۶-۱۲۶۸ هجری قمری). ترجمه از ترکی عثمانی میرزا جهانگیرخان ناظم‌الملک مرندی یکانلو. تصحیح نصرالله صالحی. تهران: طهوری.
- دلواله، پیتر (۱۳۸۴). سفرنامه پیتر دلا واله. ترجمه شعاع‌الدین شفا. تهران: علمی و فرهنگی.
- رفیق، احمد (۱۳۱۸). عثمانلی قوماندانلری. استانبول: کتابخانه اسلام و عسکری.
- روزنامه سفر سلطان مراد چهارم به ایروان و تبریز (۱۳۹۰). تصحیح و مقدمه یونس زیرک. ترجمه نصرالله صالحی. تهران: طهوری.
- روملو، حسن (۱۳۸۴). احسن التواریخ. به کوشش عبدالحسین نوایی. تهران: اساطیر.
- سعدالدین افندی، خواجه محمد (۱۸۶۲). تاج التواریخ. استانبول: مطبعة عامره.
- سلانیکلی، مصطفی (۱۹۷۰). تاریخ سلانیکلی. فریبروک: بی‌نا.
- سیوری، راجر (۱۳۸۲). ایران عصر صفوی. ترجمه کامبیز عزیزی. تهران: مرکز.
- شاملو، ولی قلی بن داوود قلی (۱۳۷۴). قصص الخاقانی. به کوشش سید حسن سادات ناصری. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شاه طهماسب صفوی (۱۳۰۰). تذکره شاه طهماسب. تهران: کاویانی.
- صولاق زاده، محمد (۱۲۹۸). صولاق زاده تاریخی. استانبول: محمود بک مطبعه‌سی.
- عالم آرای شاه اسماعیل (۱۳۸۸). به کوشش اصغر منتظر صاحب. تهران: علمی و فرهنگی.
- عبدی بیگ شیرازی (۱۳۶۹). تکمله الاخبار. به کوشش عبدالحسین نوائی. تهران: نی.
- عزیزالسلطان، غلامعلی خان (۱۳۷۶). روزنامه خاطرات عزیزالسلطان: ملیچک ثانی. به کوشش محسن میرزایی. تهران: زریاب.
- غفاری قزوینی، قاضی احمد (۱۳۹۶). تاریخ جهان آرا. چاپ سید ابوالقاسم مرعشی. به اهتمام عبدالکریم جریزه‌دار. تهران: اساطیر.
- فریدون بیگ (بی‌تا). مجموعه منشآت السلاطین



موسوی ماکویی، میراسدالله (۱۳۷۶). تاریخ ماکو. تهران: بیستون.

میرزا سمیعا، محمد سمیع (۱۳۷۸). تذکره الملوک. به کوشش محمد دبیر سیاقی. تهران: امیرکبیر.

مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۷۸). سازمان اداری حکومت صفوی یا تعلیقات مینورسکی بر تذکره الملوک.

ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: امیرکبیر.

نادرمیرزا (۱۳۹۳). تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز. به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد. تبریز: آیدین و یانار. نشانجی، محمدپاشا (۱۲۷۹). تاریخ نشانجی. استانبول: مطبعه عامره.

نصیری، محمد ابراهیم بن زین العابدین (۱۳۷۳). دستور شهریاران. به کوشش محمد نادر نصیری

مقدم. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

نعیما، مصطفی (۱۲۸۱). تاریخ نعیم. بی جا: بی نا. نوایی، عبدالحسین (۱۳۵۳). شاه عباس. مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفصیلی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

واله قزوینی اصفهانی. محمد یوسف (۱۳۸۲). خلدبرین: ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس

دوم (۱۰۷۱-۱۰۳۱). به کوشش محمدرضا نصیری. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

وحیدقزوینی، محمد طاهر (۱۳۸۳). تاریخ جهان آرای عباسی. به کوشش سید سعید میر محمدصادق.

تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Alcock, Thomas (1831). *Traveles in Russia, Persia. Turkey and Greece in 1828-9*. London: Clarke and Son.

Çelebi, Evliya (2012). *Günümüz Türkçesiyle Evliya Çelebi Seyahatnamesi*. Hazırlayanlar Seyit Ali Kahramanve Yücel Dağlı. İstanbul: YapiCredi Yayinlari.

Hewsen, Robert (2011). *Avaryar*. in Encyclopedia Iranica. Vol. 3. Fasc1. P. 32.

İravan əyalətinin icmal dəftəri (1996), Araşdırma, Tərcümə, Qeyd VƏ İlavələrin Müəllifləriç Ziya Bünyadov Hüsameddin Məmmədow. Baki: Elm.

فریدون بک. بی جا: بی نا.

فلور، ویلیم (۱۳۸۷). دیوان و قشون در عصر صفوی.

ترجمه کاظم فیروزمند. تهران: آگاه.

قبادالحسینی، خورشاه (۱۳۷۹). تاریخ ایلچی نظام شاه.

به کوشش محمدرضا نصیری و کوئیچی هانه دا.

تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

قزوینی، بوداق منشی (۱۳۷۸). جواهر الاخبار. به

کوشش محسن بهرام نژاد. تهران: میراث مکتوب

قمی، قاضی احمد بن شرف الدین الحسین الحسینی

(۱۳۸۳). خلاصه التواریخ. تصحیح احسان اشراقی.

تهران: دانشگاه تهران.

کلاویخو، روی گونسالس (۱۳۸۴). سفرنامه کلاویخو،

ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: علمی و فرهنگی.

گیلانتنز، پطرس دی سرکیس (۱۳۷۱). سقوط اصفهان

(گزارش‌های گیلانتنز درباره حمله افغانان و سقوط

اصفهان). ترجمه محمد مهیار. اصفهان: گل‌ها.

لطفی پاشا (۱۳۴۱). تواریخ آل عثمان. مصحح حافظ

کتبی عالی. استانبول: مطبعه عامره.

لمبتون، آن کاترین (۱۳۶۲). مالک و زارع در ایران.

ترجمه منوچهر امیری. تهران: علمی و فرهنگی.

محمد بن محمد (۱۲۷۶). نخبه التواریخ و الاخبار.

استانبول: تقویم‌خانه عامره.

مرندی یکانلو، میزا مجبعلی خان ناظم الملک (۱۳۹۵).

مجموعه رسائل و لوايح تحديد حدود ایران و

عثمانی ۱۳۰۹-۹۰۷ هجری قمری. تصحیح و

پژوهش نصرالله صالحی. تهران: طهوری.

منجم باشی، احمد بن لطف الله (۱۳۹۳). تاریخ منجم

باشی یا صحایف الاخبار فی وقایع الآثار. ترجمه

نصرت الله ضیایی. تهران: مهر اندیش.

منجم یزدی، ملا جلال الدین (۱۳۶۶). تاریخ عباسی یا

روزنامه ملاجلال. به کوشش سیف الله وحیدنیا.

تهران: وحید.

- Kiliç, Orhan(1997). *XVI. Ve XVII. Yüzyıllarda Van. 1548-1648*. Van: Belediye Başkanlığı
- Kiliç, Orhan(2007). *Ocaklık" Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi*. İstanbul. pp317-318.
- Kiliç, Orhan (2012). *Teşkilat ve İşleyiş Bakımından Doğu Hududundaki Osmanlı Kaleleri ve Mevâcib Defterleri*, OTAM (Osmanlı Teşkilat Tarihi). Sayı131. S87-128
- Kiliç, Remzi (1994). *Kanuni Sultan Süleyman Devri Osmanlı-Iran Münasebetleri (1520-1566)*. DoktoraTezi. Erziyes Üniversitesi.
- Kirzioğlu, Fahrettin (1976). *Osmanlılar'ın Kafkas-Elleri'nı Fethi (1451-1590)*. DoktoraTezi. Ankara: Sevinc Matbaası.
- Konük, YunusEmre (2005). *Sülan IV. Mürad'ın BağdadSeferi Ve Kasr-ıŞırın Antlaşması*, Yüksek Lisans Tezi. Afyon Kocatepe Üniversitesi.
- Küpeli, Özer (2011). *Evlıya Çelebinin İlk İran Seyahati Güzerğahı ve Kalelere İlişkin Bilgiler*. *Türk Dünyası İncelemeleri Dergisi*, XI.2, S69-79.
- Kürtülüş, Rıza (2003). *MÂKÛ İslam Ansiklopedisi*. 27c. 459-458s. Ankara.
- Kürtülüş, Rıza (2003). *MÂKÛ İslam Ansiklopedisi*. 27c. 459-458s. Ankara.
- Kütükoğlu, Bekır (1993). *Osmanlı-İran Siyasi Münasebetleri*. İstanbul: Fetih Cemiteti.
- Minorsky, Vladimir (1993). *Maku in the: First Encyclopedia of Islam 1913-1936*. V.5. Leiden: E.J. Brill.
- 34 *Numralive H.986/1578 TarihliMühimme Defteri*, (2001). YüksekLisans Tezi. Hazırlayan: Yunes Eren. Marmara Üniversitesi.
- 74 *Numralı Mühimme Defteri* (2015). Transkripsiyonu Değerlendirilmesi: Aydın Acar. Erzurum: Atatürk Üniversitesi.
- 83*Numralı Mühimme Defteri* (2001). Ankara. Başbakanlık Devlet Arşivleri.
- Qarayev, Elçin. (2010). *İrəvanXanlığı (1747-1828)*. Bakı: AvropaNəşriyyatı.
- Simonian, Hovann. H (2007). *The Hemshin: History, Society and Identity in the Highlands of Northeast Turkey*. London and New York: Routledge.